

# دیدگاه‌های بهائیان حقیقی

در گفتگوی صمیمی با صبا وجدانی



## دیدگاه‌های بهائیان حقیقی در گفتگوی صمیمی با صهبا وجدانی

در هفته‌ی گذشته، فرصتی پیش آمد تا با سرکار خانم صهبا وجدانی، یکی از اعضای جامعه‌ی بهائیان ارتدکس ایران و از همراهان عزیز وبگاه عهد و میثاق گفتگویی داشته باشیم و برخی از پرسش‌هایی را که از سوی بهائیان بیت‌العدلی مطرح شده است، با ایشان در میان گذاریم.

صهبا‌ی عزیز، از این که دعوت ما را پذیرفتی، سپاس‌گزاریم. به‌عنوان اولین پرسش، بهائیان طرفدار بیت‌العدل ادعا دارند که جامعه‌ی بهائی تحت لوای بیت‌العدل به پیشرفت‌های شایانی در دنیا رسیده است، بهائیان ارتدکس پیرو ولی امرالله چهارم، چه اقداماتی داشته‌اند و چه برنامه‌هایی برای توسعه‌ی جامعه خود دارند؟

پیش از پاسخ به پرسش شما، باید عرض کنم که من سخنگوی جامعه‌ی بهائیان حقیقی نیستم و شاید مطالبی که عرض می‌کنم، دیدگاه دقیق بهائیان ارتدکس نباشد و در صورتی که نقصی در پاسخ‌ها مشاهده کردید آن را به حساب شخص من بگذارید.

این که فرمودید بهائیان بیت‌العدلی پیشرفت‌های شایانی در دنیا داشته‌اند، باید گفت پیشرفت، کلمه‌ای چند وجهی است. یک دیانت می‌تواند در مواردی پیشرفت و در مواردی نیز سیر نزولی و انحطاطی را طی نماید. یکی از نشانه‌های پیشرفت هر دیانت، توسعه‌ی کیفی نیروی انسانی باورمندان آن است. زمانی که بیت‌العدل بدلی، رهبری جامعه بهائی را مصادره کرد، با بستری آماده روبرو گردید؛ زیرا شوقی ربّانی با طراحی نقشه‌های

جهانی، با هوشمندی تمام، ظرفیت‌های عظیمی برای جامعه‌ی جهانی بهائی فراهم کرده بود؛ شکل‌دهی محافل ملی و محلی، فراهم آوردن افراد مناسب برای آن‌ها، نقشه‌های تبلیغی موردنیاز تا قبل از پایان قرن بیستم و ...، قبلاً توسط ایشان آماده شده بود و بیت‌العدل بدلی و ایادیان در حقیقت سوار بر مرکبی آماده و مهیا شدند و توانستند موفقیت‌های به‌دست آمده را به حساب خود بگذارند!

مطلب بعدی این‌که، ما در گذشته نمی‌توانستیم در مورد صحت و سقم ارقام و آمار ارائه شده از سوی بیت‌العدل، اظهارنظر نماییم؛ ولی امروزه با آغاز قرن بیست و یکم و گسترش فضای مجازی و آزادی اطلاعات، مشخص شده است که اکثر آمار و ارقام مربوط به پیشرفت امرالله که از سوی بیت‌العدل اعلام می‌گردد، غیر واقع و بیشتر برای بزرگ‌نمایی عملکرد بیت‌العدل بدلی است؛ برای نمونه، در اکثر کشورهای اروپایی و نیز آمریکا، استرالیا و بسیاری دیگر از نقاط جهان، اکثر اعضای نسل جوان بهائی در ضیافات و جلسات امری حضور فعال ندارند. بیشتر احتیاجی که به آمریکا مهاجرت می‌کنند، درگیر کار و زندگی روزمره شده و تمایل چندانی به حضور در برنامه‌های تشکیلاتی ندارند! چرا راه دور برویم؟ حتی در ایران نیز جوانان، انگیزه‌ی فعالیت ندارند، برخی به عملکرد بیت‌العدل معترضند و اکثراً به امور مادی مشغولند و تمایلی به امور روحانی ندارند و اکثراً نسبت به پیام‌های بیت‌العدل بدلی بی‌تفاوت هستند. به طور خلاصه، نسل جوان ما که می‌بایست با فرهنگ اصیل بهائی تربیت یافته و مدیریت آینده‌ی جامعه را بر عهده داشته باشد، از انگیزه تهی است! شاید بتوانم این‌طور ادعا کنم که بیت‌العدل با انجام هزینه‌های هنگفت و ساختن ویتروینی زیبا از تشکیلات بیت‌العدل، سعی دارد جامعه‌ای فعال و شاداب را به نمایش بگذارد؛ اما در درون، ما با جامعه‌ای سرخورده، ناامید و ناآشنا با فرهنگ امری مواجه هستیم!

سرکار خانم وجدانی، اگر ممکن است در مورد اهداف اصلی بهائیان حقیقی توضیح بفرمایید.

هدف ما در حال حاضر، روشنگری و ارائه‌ی نصوص در اثبات تداوم سلسله‌ی ولایت امر و شناخت ولیّ امر حاضر و نیز نشان‌دادن عدم مشروعیت بیت‌العدل بدلی است. جامعه بهائی باید بداند که عدم توجه به ولیّ امرالله در دیانت بهائی، عامل تمام گرفتاری‌های به‌وجود آمده است؛ بنابراین، ما وظیفه داریم تا در جهت تعمیق فرهنگ واقعی بهائی تلاش کرده و با توسعه‌ی نیروی انسانی آگاه، جامعه‌ی بهائی را از انحراف نجات دهیم.

بر اساس آمار ارائه شده از مقالات و فضای مجازی، در حال حاضر حدود پنج میلیون بهائی بیت‌العدلی در دنیا زندگی می‌کنند؛ لطفاً بفرمایید در حال حاضر، چه تعداد بهائیان حقیقی در جهان حضور دارند و چه نقش و تأثیری می‌توانند در گسترش امر بهائی و نیز توسعه و پیشرفت تمدن جهانی داشته باشند؟

من تردید جدی دارم که این آمار واقعی باشد! بیت‌العدل نامشروع با سازمانی که دارد، آمار دقیق را دارد و به سادگی می‌تواند تعداد واقعی نفوس بهائی دنیا را اعلام کند؛ ولی پرسش این است که چرا تا کنون رسماً این آمار را اعلام نکرده است؟! تعداد نفوس بهائی عنوان شده در برخی از مقالات، اکثراً مربوط به يك مؤسسه خصوصی است که بدون ارائه‌ی مستندات و به نقل از بهائیان هر کشور، آمار بهائیان را منتشر کرده است. شاهد مثال این که تا سال ۱۳۵۷ شمسی تعداد بهائیان ایران حدود سیصد هزار نفر اعلام می‌شد. در حال حاضر نیز که بسیاری از احبّاب به دلیل تضییقات و در پی کسب فرصت‌های بهتر، ایران را ترک کرده‌اند؛ هنوز روی همان تعداد تکیه می‌شود! چرا بیت‌العدل بدلی، در مقابل آمارهای نادرست

اعلام شده از سوی افراد غیر مسؤول، سکوت اختیار کرده است؟! شاید بیت العدل جعلی بی تمایل نباشد که در مورد آمار بهائیان دنیا بزرگ‌نمایی بیهوده صورت گیرد!

اما در مورد آمار بهائیان ارتدکس باید اذعان کنم که احبای ارتدکس از اعلام علنی اعتقادات خود احتراز دارند؛ چرا که به محض اعلام اعتقاد به تداوم ولایت امر، توسط بیت‌العدل بدلی طرد شده و خود و خانواده‌شان در معرض انواع خطرات و معضلات قرار خواهند گرفت؛ بنابراین ایشان، ضمن اعتقاد به استمرار مؤسسه‌ی ولایت امرالله، در ضیافات و سایر برنامه‌های امری شرکت می‌کنند. من آمار کلّ بهائیان ارتدکس دنیا را ندارم و تعداد دقیق را حتماً ولیّ امرالله می‌دانند؛ ولی تا آن‌جا که اطلاع دارم در حال حاضر بهائیان حقیقی در چندین کشور جهان مانند آمریکا، فرانسه، آلمان، استرالیا، هندوستان، مالزی، ایران و ... حضور دارند؛ اما نکته مهم این است که معیار حقانیت یک عقیده، به تعداد طرفداران رسمی آن نیست؛ بلکه معیار حقانیت یک عقیده الهی، پیروی دقیق از فرامین مظهر ظهور و پایبندی به عهد و میثاق الهی است! خصوصیتی که در حال حاضر بیت العدل بدلی فاقد آن است!

اما در خصوص چگونگی تأثیر بهائیان حقیقی، باید عرض کنم که در حال حاضر، میثاق الهی توسط بهائیان حقیقی حفظ و صیانت می‌گردد و سراج امرالله در طوفان بلایا توسط این احبای راستین مشتعل باقی مانده است که مسلماً تأثیری اعظم از این نمی‌توان تصور نمود!

پرسش مهم دیگری که از شما دارم این است که، در موقعیت کنونی، جامعه بهائیان ایران با شدیدترین تضییقات روبروست؛ ولیّ امرالله در جهت رفع این تضییقات چه اقدامی صورت داده‌اند؟ چرا عکس‌العملی نسبت به این تضییقات از خود نشان نمی‌دهند؟!

از ابتدای عصر رسولی، جامعه‌ی بهائی با تضییقات فراوانی روبرو بوده است؛ اما به نظر من، تضییقات فعلی، ریشه در عملکرد نادرست بیت العدل بدلی داشته است! توضیح این که، برخلاف توصیه‌ی شوقی ربّانی، مبنی بر عدم دخالت در سیاست، جمعی از بهائیان در هیئت حاکمه حکومت پهلوی، پست‌های مهمّ سیاسی و حتّی نظامی را در اختیار گرفتند و بیت العدل و محفل ملّی، متأسفانه هیچ واکنشی به این اعمال خلاف نشان ندادند! حضور بهائیان در این‌گونه مناصب بالای دولتی، خشم و کینه‌ی متعصّبین را برانگیخت و با سقوط حکومت پهلوی، فشار و تضییقات، به‌خاطر عدّه‌ای قلیل از بهائیان صاحب مقام که به موقع از کشور متواری شدند، به جامعه‌ی مظلوم بهائی وارد آمد! بیت العدل بدلی نیز به‌جای حلّ مشکل و اقدام برای صیانت از جان و مال آحاد احبّاء، تضییقات وارده بر بهائیان را مشیّت الهی توصیف نمود و مگارانّه، وعده بر رفع فوری تضییقات داد و به جای رفع سوء تفاهمات با حکومت، با صدور پیام‌های تند و عجولانه، بر آتش این عداوت و اختلاف دامن زد!

جامعه بهائیان ارتدکس، نه تنها از تضییقات یاد شده ایمن نبوده است، بلکه رنج‌های عمیق‌تر را نیز تحمّل نموده؛ چرا که هم باید تضییقات جامعه‌ی بیرونی را تحمّل می‌کرد و هم از درون جامعه‌ی بهائی بیت العدلی، مورد تهدید و بی‌مهری قرار می‌گرفت!

ما در عین این که از تضییقات وارده بر جامعه بهاییان ایران، متأثر و متأسف هستیم؛ ولی بر طبق نصوص الهی، آموخته‌ایم که ادنی اعتراضی به حکومت نکنیم و با کمال صدق و راستی و وفا در جهت اعتلای مهد امرالله و رفع سوء تفاهمات بکوشیم.

بهائیان پیرو بیت العدل، در قالب طرح‌های توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی، در جهت خدمت به جامعه

کوشا هستند، آیا شما این طرح‌ها را تأیید می‌کنید؟

از آن‌جا که طرح‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی مطرح شده از سوی بیت‌العدل بدلی، از آثار و نصوص امری استخراج گردیده و هدف آن خدمت به جوامع انسانی است، قطعاً مورد تأیید ما می‌باشد و خود ما نیز در اجرای این طرح‌ها همواره پیش‌قدم بوده‌ایم؛ بنابراین، اصل طرح، مقدّس و مورد تأیید است؛ اما بیت‌العدل بدلی از این طرح نیز سوء استفاده کرده و از آن به‌عنوان اهرمی در جهت تحکیم و توجیه موجودیت نامشروع خود، بهره‌برداری می‌نماید و به‌جای توجّه به جنبه‌های انسانی و روحانی طرح، ضمن بهره‌برداری مالی و اقتصادی، به بُعد تبلیغاتی و شعارگونه‌ی آن پرداخته است!

چرا بهائیان ارتدکس در پی وحدت با جامعه‌ی بهائی پیرو بیت العدل حیفا نیستند و اصرار دارند که

مباحث اختلافی را مطرح نمایند؟

وحدت، کلمه مقدّسی است؛ به‌شرط آن‌که بر محور امری حقیقی و مبتنی بر مبانی روحانی و نصوص الهی صورت پذیرد. حضرت عبدالبها در الواح وصایای مبارکه، محور وحدت را توجّه به ولیّ امرالله می‌دانند و اطاعت از ولیّ امر را رمز تحقق وحدت می‌شمارند. بهائیان حقیقی وظیفه خود می‌دانند که خیانت ایادیان و جماعت وابسته به آن‌ها را که امر جمال مبارک را از مسیر حقیقی خود منحرف نمودند، به اطلاع احبّای عزیز برسانند و همین‌طور گرفتاری‌ها و مشکلاتی را که به این سبب دامنگیر جامعه شده، بیان نمایند تا هرکس طالب حقیقت است به حیات روحانی و حقیقی خود واصل گردد؛ البتّه این رویکرد بهائیان حقیقی هرگز خوشایند بیت العدل بدلی و مؤسسات غیرقانونی وابسته به آن نبوده و

نخواهد بود؛ چنان که آن‌ها کوشش‌های فراوانی برای خاموش کردن این مشعل هدایت انجام داده‌اند؛ ولی موفق نبوده‌اند!

ما به دنبال اختلاف نیستیم و سعی کرده‌ایم که موجب تکدر خاطر دوستان و نزدیکان عضو جامعه‌ی بهائی پیرو تشکیلات بیت‌العدل نباشیم. این بیت‌العدل بدلی است که با اقدامات ناصحیح و نامشروع خود، از جمله طرد غیرقانونی و ظالمانه‌ی پیروان حقیقی جمال قدم و نادیده‌انگاری عاشقان راستین آستان مبارکش، به این اختلافات دامن می‌زند!

حال که سخن از طرد به میان آمد، لطفاً نظر خود را در مورد طرد روحانی و ادای حقوق الله مطرح بفرمایید.

بحث حقوق‌الله و طرد، از وظایف مخصوصه ولیّ امرالله است که در الواح وصایا به آن تصریح شده است و نه بیت‌العدل و نه هیچ فرد یا مؤسسه دیگری در این دو موضوع اختیار مستقلی ندارند!

پرداخت حقوق‌الله به بیت‌العدل بدلی نیز نه صحیح است و نه ادای دین الهی محسوب می‌شود! از طرف دیگر، بر طبق نصوص قطعی، مصرف حقوق‌الله نیز باید تحت اشراف ولیّ امرالله انجام شود؛ بنابراین، تشکیلات بیت‌العدل بدلی که علاوه بر عدم صلاحیت قانونی و شرعی، از شفافیت مالی لازم نیز برخوردار نیست، نه اجازه دریافت حقوق‌الله را دارد و نه اجازه مصرف آنرا!

یادآوری این نکته نیز ضروری است که همان‌طور که در وبگاه عهد و میثاق اعلام گردیده است؛ ولیّ امر چهارم دیانت بهائی، جناب نصرت‌الله بهره‌مند، جمیع احبّاء را تا اطلاع ثانوی از پرداخت حقوق‌الله



معاف فرموده‌اند؛ هم‌چنین هرگونه طرد افراد خاطی نیز باید با صلاح‌دید و دستور شخص ولی امرالله صورت گیرد و طردهای صورت گرفته پس از صعود شوقی ربّانی از سوی ایادیان امر و بیت‌العدل بدلی، به کلی فاقد اعتبار قانونی است!

سرکار خانم وجدانی، مجدّداً از این‌که وقت خود را به گفتگو با وبگاه عهد و میثاق اختصاص دادید، صمیمانه سپاس‌گزاریم؛ به امید دیدارهای بعدی شما.

بنده هم از شما متشکرم.